

کتاب زندگی نامه بزرگان

زندگی نامه ابوعلی سینا

شما میتوانید با مراجعه به وبلاگ راهنمای راهنمایی
جدید ترین و بهترین نمونه سوالات را دریافت
نمایید

منبع:

راهنمای راهنمایی

www.rrahnamaii.blog.ir

ابوعلی حسین بن عبد الله بن سینا در سال 359 - 370 هجری - در روستایی در حوالی بخارا چشم بر جهان گشود . پدرش عبد الله اهل بلخ بود و مادرش ستاره نام داشت ، زنی از اهالی روستای افشنه .

عبد الله پدر بو علی دوران جوانی اش را در زادگاه گذرانیده و سپس به بخارا پایتخت حکومت سامانیان عزیمت کرد .

هنگامی که عبد الله از شهر پدران خود به بخارا رفت سیصد سال از حکومت تازیان بیگانه گذشته بود و سامانیان بر بخارا حکم می راندند .

هنگامی که ابن سینا پنج سال داشت ، نزد پدر که مردی فاضل بود حساب ، ریاضیات ، رو خوانی قرآن و صرف و نحو زبان عربی می آموخت او از همان ابتدا بسیار باهوش بود و برای کسب دانش شوق و اشتیاق فراوانی داشت پس از چندی نیز به مکتب رفت که سر آمد هم مکتبی های خود بود

او در ده سالگی قرآن را حفظ کرده و ادبیات و هندسه ریاضیات و صرف و نحو عربی را نیز میدانست ، او به طبیعت و گیاهان و حیوانات علاقه خاصی داشت و اوقات فراغت را در دشت و صحرا به جستجو و کسب تجربه می پرداخته و بدین صورت از دوران کودکی به خواص گیاهان دارویی و طبابت علاقه مند شده است

هنگامی که ابوعلی دوازده سال داشت به همراه خانواده در بخارا ، پایتخت سامانی می زیست و پدرش عبد الله نیز دارای شغل و منصب دیوانی بود .

عبد الله فرزند خویش را نزد استادی به نام عبد الله ناتلی فرستاد تا نزد او معلومات خود را تکمیل کند . پیش از آن هم ابوعلی علم فقه را از شخصی به نام اسماعیل زاهد فرا گرفته بود .

ابوعلی به حدی باهوش بود که گاهی در مطالب علمی وجوه تازه ای میافت به طوری که باعث تعجب استاد خود می گشت . ناتلی نیز وی را تشویق به فراگیری علوم و دانش اندوزی میکرد و بدین گونه ابوعلی علم منطق را فرا گرفت و بعد به تکمیل ریاضیات پرداخت .

ابوعلی سینا برای تکمیل و ارتقا معلومات خود چاره ای جز مداومت و کوشش خویش نداشت او طبیعیات و الهیات را نزد خود خواند . او تمامی کتابهایی که در دسترسش قرار میگرفت سود می جست و علم پزشکی را نیز خود به وسیله کتابهای بزرگان و تجربیات عملی نزد خود فرا گرفت

ابوعلی در جوانی حکمت ماوراء الطبیعه را نیز آموخت و هر کتابی که در این زمینه به دستش می رسید مطالعه و تجزیه و تحلیل میکرد . روزی کتاب ما بعد الطبیعه ارسطو را به دست آورد و شروع به مطالعه آن کرد اما هر چه میخواند مفاهیم نهفته در آن را به دست نمی آورد و باز از ابتدا می خواند تا اینکه بیش از بیست بار کاتب را خواند اما هنوز مفهوم جملات کتاب را به درستی درک نمیکرد تا اینکه یک روز که از بازار بخارا عبور میکرد فروشنده ای راه او را گرفت و کتاب فرسوده ای را به وی فروخت . وقتی شروع به خواندن کتاب کرد متوجه شد که کتاب نوشته ابونصر فارابی و در مورد شرح اغراض ما بعید الطبیعه ارسطو است همان کتابی که هر چی ابوعلی رد آن اندیشیده بود برایش مفهوم نشده بود .

در سال 375 هنگامی که ابوعلی سینا هجده سال داشت نوح دوم بر بخارا حکومت میراند . روزی غلامان امیر به دنبال وی آمدن تا برای معالجه امیر به بالین ی رهسپار شود .

ابو علی سینا سابقه بیماری و نشانه های بیماری را که در امیر ظاهر شده بود از ابن خالد - پزشک مخصوص دربار - پرسید . معلوم گشت که امیر از مدتی پیش دچار درد و سوزش شدید معده و حالت تهوع شده و نیز بخشی از بدنش لمس گشته . ابو علی از روی عوارض بیماری به بیماری امیر پی برد و با بررسی ظروف مخصوص خوراک امیر بیماری امیر را مسمومیت ناشی از سرب اعلام کرد و اقدام به درمان بیماری امیر کرد .

ابوعلی در قبال معالجه امیر از وی خواست اجازه ورود و استفاده آزادانه از کتابخانه سلطنتی بخارا را کرد - چرا که تنها شاهزادگان و بزرگان حق استفاده از آن را داشتند - و نوح ابن منصور نیز موافقت کرد .

این واقعه که در هجده سالگی ابوعلی سینا اتفاق افتاد فصل تازه ایی در علم اندوزی و کسب دانش برای وی گشوده شد . کتابخانه بخارا کی از کاملترین کتابخانه های آن روزگار ایران به شمار میرفت و از اکثر کتابهای قدیمی و کمیاب یک نسخه در آن موجود بود

روزی که ابن سینا به کتابخانه سلطنتی پا گذاشت ، شادی اش از دیدن کتابهای گوناگون موجود در آن بی حد و حصر بود . ابو علی با حرص و ولع همه آنها را از نظر گذرانید و در طول سه

سالی که ابو علی در آن کتابخانه بود و به گفته یکی از شاگردانش دوره طلایی برای تکامل وی محسوب می شد را بگذرانند و معلوماتش را در فقه عمیق تر کند . همچنین در مورد ادبیات و موسیقی و زوایای مختلف آنها به تجربه و تحقیق پردازد . او توانست بر روی نقشه های نجومی منجمان گذشته کار کند

ابو علی در سن بیست سالگی شروع به نوشتن کرد و مجموعه ای در ده جلد به نام حاصل و محصول را به رشته تحریر در آورد بعد کتابی در باب اخلاق با عنوان البر و الائم - بی گناهی و گناه - نوشت ، نوشته بعدی وی کتابی در باب فلسفه به نام حکمت عروضی در بیست و یک جلد می باشد

هنگامی که ابوعلی سینا بیست و یک سال داشت . روزی در کتابخانه مشغول مطالعه بود که متوجه حریق در قسمت را کتابخانه شد . سعی ابوعلی و نگهبانان برای خاموش کردن آتش بی فایده بود و کتابها طعمه آتش قرا گرفت بعد از آتش سوزی که به روایاتی عمدی و توسط دشمنان ابوعلی در دربار صورت گرفته بود در شهر شایعه کردند که خود بوعلی کتابخانه را آتش زده که این موضوع نیز در امیر اثر کرد و سبب شد تا از ورود ابوعلی به بیمارستان و درمانگاه جلوگیری کنند . در همین حال پدر بوعلی نیز درگذشت و سبب شد تا بوعلی تصمیم به سفر گیرد و با دوست خود ابوسهل مسیحی در سال 379 ترک دیار کرد و راهی مقصدی نا معلوم شد

ابوعلی سینا پس از ترک پایتخت سامانی و گذشت نزدی به یک ماه در یکی از استراحتگاه های میان راه با مردی به نام منصور بن عراق برخورد کرد کسی که خود از نجیب زادگان و اندیشمندان دربار خوارزم بود و ابن سینا را به دربار خوارزم دعوت کرد . در آن زمان دربار خوارزم تمامی دانشمندان و فرزنانگان را به دربار خود دعوت میکردند که به سبب وزیر فاضل ابن مامون ابوالحسن احمد بن سهیلی بود که دانشمندان را در دربار خوارزم جمع میکرد

مرکز حکومت ابن مامون خوارزمشاه ، شهر گرکامج در ساحل رود جیحون بود . در دربار خوارزمشاهیان ابوعلی سینا و ابوسهیل به گرمی استقبال شدند ، و خود سهیلی وزیر خوارزمشاه به پیشواز ایشان آمد . پس از مدتی استراحت با امیر ابن مامون دیدار کردند و او نیز به ایشان خوش آمد گفت

ابو علی برای مدتی نزدیک به سیزده سال در گرگانج ماند و در طول این مدت وقت خود را به تدریس ، تحریر و معالجه بیماران گذرانند . وی در این مدت کتابها و رسالات زیادی به رشته

تحریر در آورد که از جمله آنها میتوان رساله ای در مورد نبض به زبان فارسی ، رساله ای در مورد بیهودگی پیش بینی آینده بر اساس حرکت ستارگان به زبان عربی و قصیده ای در مورد منطق ، کتابی در باب فلسفه به نام بقاء النفس الناطقه و رساله ای در باب افسردگی با نام حزن الاسبابه و بسیاری بسیاری دیگر نوشت

در این سالها ابوسهل همواره همراه بوعلی بود و دوستی بسیاری بین آنها پدید آمده بود . یک روز فرستاده ای از سلطان محمود غزنوی خبر داد که خوارزمشاه باید تمامی دانشمندان خود را نزد او و به پایتخت غزنویان روانه کند در این زمان بوعلی بر خلاف دیگر دانشمندان به غزنین نرفت و بعد از سیزده سال اقامت در گرگانج در زمستان سال 392 به همراه دوست خود ابوسهل مسیحی شبانه از گرگانج گریخت . سلطان محمود از نیامدن ابن سینا ناراحت شده و دستور میدهد تصاویر زیادی از وی کشیده برای فرمانروایان خراسان بفرستند و برای دستگیری و تحویل او جایزه بزرگی تعیین میکند .

ابو علی سینا ابتدا برای دیدن مادر خود راهی خراسان و شهر بخارا میشود . اما به زودی ماموران از برگشتن وی باخبر میشوند و او دوباره مجبور به فرار میشود . و این بار همراه دوست خویش ابوسهیل راهی گرگان نزد سلطان قابوس بن وشمگیر میشود در بین راه بر اثر طوفان شن دوست و همراه خود ابوسهل را از دست میدهد . ابوعلی سینا بعد از طی مراحل سخت وارد گرگان میشود که باخبر میشود سلطان قابوس توسط سپاهیانش کشته شده است . ابوعلی سینا هنگام ورود به شهر مورد لطف و احترام زرین گیس دختر سلطان قابوس که مانند پدر دوستدار فضلا بود قرار گرفت

ابن سینا اوایل سال 392 به گرگان رسیده بود در منزل شخصی به نام ابو محمد شیرازی سکنا گزید در این دوران بود که ابو عبیداله جوزجانی یکی از دانشجویان مستعد ابن سینا به خدمت او درآمد و تا پایان عمر ابوعلی سینا در خدمت او ماند . ابوعلی مدت یک سال در خانه ابو محمد ماند . ی مطالب را به ابو عبید جوزجانی میگفت و او مینوشت و مطالبی تحت عنوانهای الادویه القلیبه - دارویی برای قلب - و اروزه فی الطب - قصیده ای در باب طب - و در همینجا بود که فکر تالیف کتابی به نام قانون در مورد طب در ذهن ابوعلی پیریزی شد .

ابوعلی در سال 393 عازم ری شد در این زمان پادشاهان آل بویه در نواحی شمالی و مرکزی ایران سلطنت میکردند ابن سینا به درخواست سیده خاتون ، زن فخر الدوله ، پادشاه آل بویه

برای درمان فرزندش به ری رفت و پس از درمان مجدالدوله که صرع داشت ریاست و سرپرستی بیمارستان ری را پذیرفت

در سال 394 ابوعلی به خدمت شمس الدوله در آمد ، شمس الدوله که از بیماری قولنج رنج میبرد و پزشکان بیماری وی را تشخیص نمیدادند توسط ابوعلی بهبود یافت و سمت طبیب مخصوص امیر را گرفت و بعد از چند ماه به سمت وزارت شمس الدوله منصوب گشت .

در طی سالهایی که در همدان گذرانید نوشتن کتاب قانون در سال 398 به پایان رسید او در این دوران تعداد قابل توجهی کتاب و رساله نوشت . روز ها را صرف تدریس و طبابت در بیمارستان و رسیدگی به امور سیاست میکرد و شب ها را صرف تحریر و تالیف کتاب و بعضا بحث و شب نشینی با اندیشمندان همدان میکرد .

در چهارمین سال وزارت قانونی برای کم کردن جیره غلامان و سپاهیان تدوین کرد که سبب شد سپاهیان علیه وی شورش کنند . شمس الدوله برای راضی کردن سپاهیان ابوعلی را به خانه شخصی به نام شیخ سعید ابن دحدوک تبعید کرد و فرمان او را جلوی چشم سپاهیان سوزاند . در دوران تبعید بود که ابوعلی کتاب شفا در مورد فلسفه و نکات مثبت نظریات ارسطو نوشت

بعد از مدتی بیماری امیر وخیم شد و ابوعلی را نزد وی آوردند و بوعلی سمت وزارت خود را از سر گرفت . در همین ایام نامه ای از ابو ریحان بیرونی دریافت کرد که حاوی ده سوال بود که جواب آنها را در رساله ای به نام الاجویه عن مسائل ابوریحان بیرونی نوشت

بعد از مرگ شمس الدوله ابوعلی سینا با علاء الدوله دائی شمس الدوله که حاکم اصفهان بود مکاتبه کرد و خواستار حضور در دربار وی شد که بعد از باخبر شدن سماء الدوله جانشین شمس الدوله ، به جرم خیانت او را در زندان دژ فرد جان در ناحیه فرهان زندانی کرد . ابوعلی کار نوشتن را در زندان نیز ادامه داد در سال 402 علاء الدوله به همدان حمله کرد ولی موفق به گرفتن دژ فرد جان نشد . بعد از آن سماء الدوله ابن سینا را مورد عفو قرار داد و او را به همدان باز گرداند . ولی بوعلی ماندن در همان را صلاح ندانست و از همدان گریخت و راه اصفهان را در پیش گرفت

او در مدت زندان کتابهای الهدا فی الحکمت - راهنمای عقل - و کتابی دیگر با نام حی بن یقظان - زنده بیدار - را به پایان رساند و رساله ای در باب قولنج و بیماری قلبی به رشته تحریر در آورد

در سال 403 ابو علی به اصفهان وارد شد و به عنوان یکی از نزدیکان علاء الدوله در آمد ابوعلی سینا در اصفهان کتاب شفا را به پایان رساند . و بعد در سال های آخر عمر تمامی تجربیات خود در زمینه طب را در کتاب قانون نوشت و کتاب ارزشمند خود را کامل کرد در مهر 415 خبر حمله مسعود پسر سلطان محمود غزنوی به اصفهان رسید در همین هنگام علاء الدوله با سپاهیان خود از اصفهان خارج شد اوب علی نیز به همراه علاء الدوله از اصفهان خارج شد ولی کتابهایش در اصفهان ماند که مورد تاراج غارتگران ترک قرار گرفت و بسیاری از آنها از بین رفت یا به غزنه منتقل شد

علاء الدوله به سمت همدان حرکت کرد در این سفر ابوعلی به قلنج مبتلا شد که جوزجانی به کمکش آمد ولی بوعلی برای آنکه زودتر بهبود یابد میزان دارو را افزایش داد که سبب از بین رفتن قوای جسمی او گشت او در این زمان کتابی در مورد اثبات خدا با نام حکمت المشرقین - فلسفه شرقی - که تقریبا نوعی وصیت نامه بود نوشت .

بعد از چندی بیماری ابن سینا شدت گرفت وی که چندین بار بر این بیماری در بدن دیگران غلبه کرده بود نتوانست این بیماری را در خود درمان کند و در هشتم آبان ماه 415 در شهر همدان رخت از جهان فانی بر بست و او را در همان شهر به خاک سپردن

آثار ابن سینا:

به دلیل آنکه در آن عصر، عربی زبان رایج آثار علمی بود، ابن سینا و سایر دانشمندان ایرانی که در آن روزگار می‌زیستند کتابهای خود را به زبان عربی نوشتند. بعدها بعضی از این آثار به زبانهای دیگر از جمله فارسی ترجمه شد.

افزون بر این، ابن سینا در ادبیات فارسی نیز دستی قوی داشته‌است. بیش از ۲۰ اثر فارسی به او منسوب است که از میان آنها انتساب دانشنامه علائی و رساله نبض بدو مسلم است.

آثار فارسی ابن‌سینا، مانند سایر نثرهای علمی زمان وی، با رعایت ایجاز و اختصار کامل نوشته شده‌است

آثار فراوانی از ابن‌سینا به جا مانده و یا به او نسبت داده شده که فهرست جامعی از آنها در فهرست نسخه‌های مصنفات ابن‌سینا آورده شده‌است. این فهرست شامل شامل ۱۳۱ نوشته اصیل از ابن‌سینا و ۱۱۱ اثر منسوب به او است.

از مصنفات او:

کتاب المجموع در یک جلد، کتاب الحاصل و المحصول در بیست جلد، کتاب البر و الائم، در دو جلد، کتاب الشفاء، در هجده جلد، کتاب القانون فی الطب، در هجده جلد، کتاب الارصاد الکلیه، در یک جلد، کتاب الانصاف، در بیست جلد، کتاب النجاه، در سه جلد، کتاب الهدایه، در یک جلد، کتاب الاشارات، در یک جلد، کتاب المختصر الاوسط، در یک جلد، کتاب العلائی، در یک جلد، کتاب القولنج، در یک جلد، کتاب لسان العرب فی اللغه، در ده جلد، کتاب الادویة القلییه، در یک جلد، کتاب الموجز، در یک جلد، کتاب بعض الحکمة المشرقیه، در یک جلد، کتاب بیان ذوات الجهه، در یک جلد، کتاب المعاد، در یک جلد، کتاب المبدأ و المعاد، در یک جلد.

رساله‌های او :

رساله القضاء و القدر، رساله فی الآله الرصدیه، رساله عرض قاطیغوریاس، رساله المنطق بالشعر، قصائد فی العظه و الحکمه، رساله فی نعوت المواضع الجدلیه، رساله فی اختصار اقلیدس، رساله فی مختصر النبض به زبان فارسی، رساله فی الحدود، رساله فی الاجرام السماویة، کتاب الاشاره فی علم المنطق، کتاب اقسام الحکمه، کتاب النهایه، کتاب عهد کتبه لنفسه، کتاب حی بن یقطان، کتاب فی ان ابعاد الجسم ذاتیه له، کتاب خطب، کتاب عیون الحکمه، کتاب فی انه لا یجوز ان یکون شیء واحد جوهریا و عرضیا، کتاب ان علم زید غیر علم عمرو، رسائل اخوانیه و سلطانیه و مسائل جرت بینه و بین بعض العلماء.

فلسفه

• شفا

• نجات

• الاشارات والتنبیها

· حى بن يقظان

رياضيات

· زاويه

· اقليدس

· الارتماطيقى

· علم هيئت

· المجسطى

· جامع البدايع

طبيعى

· ابطال احكام النجوم

· الاجرام العلويه واسباب البرق والرعد

· فضا

· النبات والحيوان

پزشكى

· قانون

· الادويه القليه

· دفع المضار الكليه عن الابدان الانسانيه

· قولنج

· سیاسةُ البدن وفضائل الشراب

· تشریح الاعضا

· الفصد

· الاغذیه والادویه

کتاب قانون یک دایره المعارف پزشکی است که در آن تمام مبانی اصلی طب سنتی مورد بحث قرار گرفته است مانند: مبانی تشریح/اناتومی/ مبانی علامت شناسی/سمیولوجی/داروشناسی و داروسازی و نسخه نویسی/فارماکولوجی/و غیره. کتاب قانون در سال ۱۳۶۰ توسط مرحوم شرفکندی هزار از زبان عربی به زبان فارسی امروزی ترجمه شد و توسط انتشارات سروش منتشر گردید و تاکنون چندین بار تجدید چاپ شده است. کتاب قانون در دانشگاه های اروپایی و آمریکایی تا دو قرن پیش مورد استفاده پزشکان بوده و به اکثر زبانهای دنیا ترجمه شده است. و بعد از انجیل بیشترین چاپ را داشته است. افلاطون مغز و قلب و کبد را از اعضای حیاتی بدن انسان ذکر کرده بود و لذا این اعضا را مثلث افلاطون /تریگونوم پلاطو/ مینامیدند. ابن سینا اعلام نمود که دوام و بقای نسل انسان وابسته به دستگاه تولید مثل است و لذا جمع چهار عضو مذکور را مربع ابن سینا/کوادرانگولا اویسینا / نامیدند. وی همچنین علاقه مند به تاثیرات اندیشه بر جسم بود و آثاری نیز در باب روانشناسی دارد.

موسیقی

پورسینا تئوری دانی دارای دیدگاه های موسیقایی است. او مرد دانش و نه کنش در موسیقی بود ولی آنچه از همین دانش نظری سخن می راند که گویی در کنش نیز چیره دست است. گمان می شود پورسینا و فارابی بنیادگذاران نخستین پایه های دانش هماهنگی (هارمونی) در موسیقی بوده اند. آثار موسیقایی پورسینا روی هم رفته پنج اثر مهم اوست که در بخش هایی از آنها به موسیقی پرداخته شده:

· شفا

· جوامع علم موسیقی

· المدخل الی صناعة الموسیقی

· لواحق

· دانشنامه علایی

· نجات

· اقسام العلوم

: شاگردان ابن سینا

ابن سینا علاوه بر آثار خود چند شاگرد نیز تربیت کرد که هر کدام دانشمند بزرگی در زمان خود شدند. از میان شاگردان او این چندتن سرشناسترند

ابوالحسن بهمنیار بن مرزبان شاگرد بسیار معروف ابن سینا است که برخی از آثار او در دست است. وی از زردشتیات آذربایجان بود. ولی بعدها مسلمان شد و کنیهٔ ابوالحسن را برگزید. چنانکه بسیاری از ارباب تواریخ به این مطلب تصریح کرده اند و از نوشته‌های خود ابوالحسن بهمنیار از جمله التحصیل چنین مطلبی تایید می‌شود. یکی از کتاب‌های ابن سینا به نام المباحث بیشتر شامل جواب سؤالات او است.

ابوعبیدالله عبدالواحد بن محمد جوزجانی از سال ۴۰۳ هجری تا هنگام مرگ ابن سینا پیوسته در خدمت او بوده‌است و پس از مرگ او به گردآوری و تألیف آثار او پرداخت. تبحر او در ریاضیات بود.

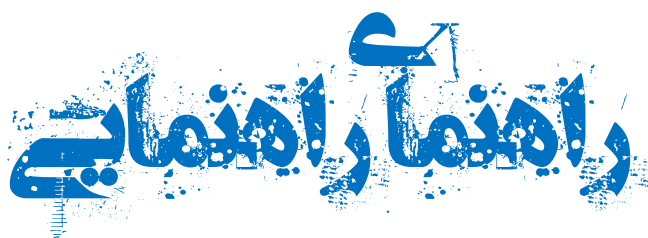
ابوعبدالله محمد بن احمد المعصومی یکی دیگر از شاگردان مشهور ابن سینا است که رساله‌العشق را ابن سینا به نام او نوشت. وقتی نزاع علمی بوعلی سینا و ابوریحان بیرونی بر اثر برخی گفتارهای ابوریحان منقطع شد معصومی ادامهٔ بحث با ابوریحان را به عهده گرفت. مطالب معصومی به همراه اجوبه ابن سینا و سوالان و ردود ابی ریحان در کتابی به نام اسئله و اجوبه در ایران و لبنان چاپ شده است.

شیخ علی نسائی خراسانی یکی دیگر از شاگردان ابن سینا که ناصر خسرو هم در سفرنامه اش از وی نام می‌برد.

پایان

شما میتوانید با مراجعه به وبلاگ راهنمای راهنمایی
جدید ترین و بهترین نمونه سوالات را دریافت
نمایید

منبع:



www.rrahnemaii.blog.ir